

یادداشت

تب ۴۲ درجه واقتصادایران»



مصطفی رناسی
نایب‌رئیس اتاق اصناف

● در دو سال گذشته تیم اقتصادی دولت تلاش بسیار کردند تا تورم را از ۴۲ درصد به ۱۵ درصد کاهش دهند اما آیا عوارض و هزینه‌های ناشی از این کاهش تورم ارزیابی شده است؟ برای کاهش تورم دو منظر مورد توجه قرار گرفته است:

۱-طرف تقاضا:

دولت با سیاست‌های مختلف ریاضتی اقدام به کاهش نقدینگی و گردش نقدینگی و به سوازات آن افزایش مالیات کرده که در کاهش تورم اثربخش بوده است.

۲-طرف عرضه:

دولت با کنترل و ثابت نگه‌داشتن نسبی نرخ ارز و ارائه دلارهای ارزان از طریق اتاق مبادله، واردات را تسهیل کرده و به این طریق کاهش تورم را از این منظر تقویت کرده است. آیا با توجه به رکود طولانی و فزاینده و تعطیلی کارخانجات داخلی می‌توان به ادامه روند فعلی کاهش تورم مطمئن بود؟

در برنامه پنجم مجلس تصویب کرده که نرخ سالانه ارز متناسب با تفاوت افزایش تورم داخلی و تورم کشورهای هدف تجاری تسعیر شود، درحالی‌که براساس آمار رسمی برای سال ۴۰،۹۲ درصد و سال ۹۳،۱۵ درصد تورم وجود داشته و به این معنی است که به‌طور متوسط هزینه‌های تولیدکنندگان داخلی در دو سال گذشته ۵۵ درصد افزایش یافته است و اگر تورم کشورهای هدف را در دو سال گذشته حداکثر ۱۰ درصد در نظر بگیریم، نرخ ارز باید ۴۵ درصد تسعیر شود درحالی‌که قیمت ارز هم‌اکنون از ابتدای سال ۹۲ کمتر است و در نتیجه تولیدکنندگان داخلی مزیت رقابتی قیمتی خود را حداقل به میزان ۴۵ درصد از دست داده‌اند و در نتیجه شاهد فراوانی انواع کالاهای خارجی، از کفش و لباس گرفته تا میوه، سنگ قبر و دسته‌بیل هستیم و سالانه بیش از ۱۸ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد شده و در تمامی فروشگاه‌ها به‌راحتی عرضه می‌شود. شفافیت اقتصادی امری مقدس و تأکید بر آن در شرایطی که فساد اقتصادی بخشی از جریان‌های اقتصادی کشور را فراگرفته است، بسیار ضروری است اما چرا باید تمام فشارهای مالیاتی و اجرای سختگیرانه قوانین از تولید شروع شود؟

آیا بهتر نیست که شفافیت اقتصادی را از مبارزه با قاچاق و رانت‌خواران شروع کرد؟ آیا بهتر نیست که فشار مالیاتی بر تولید را در شرایط رونق تولید انجام داد؟ آیا بهتر نیست به‌جای ستاره‌دارکردن واحدهای صنعتی برای چند قسط معوق کمتر از صد میلیون تومان، ابتدا با وام‌های معوق چند هزار میلیاردی برخورد کرد؟ آیا برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در شرایط فعلی اقتصادی با توجه به تورم، نرخ ارز، نرخ بهره وام‌های بانکی، سختگیری‌های خارج از قانون (یا بد اجرکردن قانون) سازمان مالیاتی، تأمین اجتماعی، محیط‌زیست و ثبت شرکت‌ها امکان حیات وجود دارد؟

آینده اشتغال جوانان کشور به‌ویژه میلیون‌ها نفر از جوانان دانشگاه‌رفته چه خواهد شد؟ سهم بانوان از اشتغال کشور چه میزان است؟ توافقی هسته‌ای قطعا اقتصاد ایران را در ریل قرار خواهد داد اما تولید داخل را با فرصت‌ها و چالش‌هایی مواجه خواهد کرد درحالی‌که توافقی هسته‌ای باعث بهبود روابط بین‌الملل، دسترسی به دانش فنی و تکنولوژی روز، دسترسی به بازارهای جدید صادراتی، کاهش هزینه‌های انتقال ارز، کاهش هزینه‌های مبادله کالا، افزایش درآمد‌های نفتی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌شود اما درصورتی‌که به نحو مطلوب مدیریت نشود، می‌تواند باعث بیماری هلندی، گرایش بیشتر به واردات تسهیل و افزایش آن و در نتیجه ازدست‌رفتن بازار داخلی، کاهش یا تثبیت نرخ ارز، افزایش بی‌کاری و مصرف‌گرایی نیز شود. مشکل اقتصاد ایران که حل منافع هسته‌ای، برطرف‌کردن تنش در روابط بین‌المللی و رفع تحریم‌هاست، اقدامات مؤثری را به‌عمل آورد، پس از موفقیت در این مسئله توجه ویژه به وضعیت واحدهای تولیدی داخلی، اشتغال و معیشت مردم کرده و با تک‌نرخ‌کردن و واقعی‌کردن نرخ ارز براساس مصوبه مجلس و اختصاص دلارهای نفتی جهت سرمایه‌گذاری امور زیربنایی طرف عرضه را به‌جای افزایش واردات با حمایت از تولید داخلی و اجرای اهداف اقتصاد مقاومتی تقویت کند و اگر به‌جای هرگونه یارانه‌ای، هدف، افزایش یک نفر شاغل در هر خانوار ایرانی قرار داده شود، قطعا توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سهل‌تر صورت پذیرفته و میزان فقر و جرم و بزه به نحو چشمگیری در جامعه کاهش خواهد یافت و عدالت اجتماعی برقرار می‌شود.

اقتصاد

فرشاد مومنی نسبت به اختصاص رانتی ارزهای بلوکه‌شده هشدار داد

ارزهایی برای نورانت جویان



نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، متوجه کانون اصلی نیازمند اصلاح شود.

به‌نظر ضروری است درباره آنچه از دولت قبل به میراث مانده به‌صورت عملی و شفاف از دستگاه‌های مربوط گزارش‌هایی داده شود، متأسفانه در این زمینه به‌جای برخورد عالمانه و کارشناسی، برخوردی سیاست‌زده مشاهده می‌کنیم و در این برخورد سیاست‌زده، بیش از اینکه آگاه‌کردن مردم و درک بایسته‌های این شرایط، مقصود باشد، بیشتر رقبای دولت مخاطب هستند، تا ساکت بنشینند. در تصویری که داده می‌شود حلقه تکمیلی مهمی که تا به امروز نیز به‌صورت نابخشودنی فراموش شده، ارائه تحلیل از چرایی شکل‌گیری آن اوضاع بود. متأسفانه دولت جدید، کوتاهی‌های بزرگی در ارائه تحلیل روش‌مند مبتنی بر یک پایه نظری که دقیقاً دلیل ایجاد این شرایط را روشن کند، داشته است. در غیاب چنین تحلیلی، همیشه این احتمال وجود دارد که اشتباه‌های گذشته با تفاوت در شیب و شدت، دوباره امکان وقوع و تکرار داشته باشد.

در بحثی که به مناسبت ارزیابی لایحه بودجه ۱۳۹۳ مطرح کرد این نکته را به دولت گفته بودم که این طرز برخورد با بودجه ۹۴ به هیچ‌وجه بایسته شرایط کنونی کشور نیست و اکنون می‌بینیم که آثار و عوارض آن بروز می‌کند، اشتباه اول، رشد چشم‌گیر هزینه‌های دولت برای سال ۹۴

بود. در شرایطی که فشارهایی به کیفیت زندگی مردم و بنیه تولیدی کشور وارد می‌شود و به طرز غیرمتعارفی افزایش می‌یابد، افزایش هزینه‌های دولت نه عادلانه است و نه عالمانه. اشتباه فاحش دومی که در جهت‌گیری‌های لایحه بودجه ۹۴ وجود داشت و متأسفانه مجلس نیز آن را تشدید کرد، به مسئله مالیات‌گیری موبوط می‌شود. این مسئله در شرایطی

اتفاق افتاده که گفته می‌شود در سال ۱۳۹۳ موجودی انبار بنگاه‌های تولیدی به قله تاریخی خود در پنج سال اخیر رسیده، یعنی درحالی‌که یکی از

بی‌سابقه‌ترین رکودهای تاریخ اقتصاد ایران معاصر را تجربه می‌کنیم، تولید عمده‌تا شرایط بحرانی را سپری می‌کند، اما همین میزان اندک تولید نیز به فروش نمی‌رسد، مالیات نیز افزایش پیدا کرده است. بایسته چنین شرایطی افزایش فشارهای مالیاتی به مردم و تولیدکنندگان نیست. همه کسانی که با اقتصاد سیاسی ایران آشنا هستند می‌دانند نظام مالیات‌گیری ایران به گونه‌ای است که تیغ برای برای درآمد‌های با منشأ غیرتولیدی ندارد و از این‌رو تمام زور خود را به مزدبگیران و تولیدکنندگان تحمیل می‌کند. این مسئله

از نظر اقتصادی غم‌انگیز و از نظر اجتماعی و اخلاقی غیرقابل تصور خروج سرمایه مادی از کشور بود. این چنانچه در سایت بانک مرکزی منعکس است، فقط در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۸۹ که حتی هنوز موج جدید تنش‌های شدت‌یافته و تحریم‌های افزایش‌یافته را نیز نداشتیم، براساس ضابطه تحولات خالص حساب

سرمایه، خروج سرمایه مادی از ایران در آن دوره زمانی ۱۲۵ برابر افزایش یافته است. باید بررسی کنیم و درس بگیریم از اینکه در آن دور، در رابطه دولت و مردم چه تحولی پدیدار شده که چنین واکنشی را به‌همراه داشته است.

پس در رابطه با آن دو مؤلفه کلیدی، سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های مادی، که باید برای حل‌وفصل گرفتاری‌های کشور در دسترس باشد، دولت قبل میراث

فاجعه‌باری بایقی گذاشته، ولی ارزیابی تحلیلی من حکایت از این دارد که بدترین میراث و شاید ماندگارترین و خسارت‌بارترین میراث، ساختار نهادی دوره دولت قبل است که به یادگار مانده است، یک نظام قاعده‌گذاری و پادشاهی که در ابعاد بی‌سابقه‌ای حرکت رانت، ربا و فساد بوده و برخورد‌های صادقانه و تلاش‌های عالمانه برای بهبود وضعیت را تنبیه می‌کرده و به فرصت‌طلبی و مفت‌خوارگی در ابعاد بی‌سابقه‌ای پاداش می‌داده است. این میراث بسیار خطرناک و تأثیرگذاری است که به گمان من نیروی محرکه آن رفتارها در رابطه با سرمایه‌های مادی و انسانی نیز همین بوده است و باید امیدوار بود که در شرایط جدید با فهم وزن و ضرب اهمیت این مسئله،

عایدات ارزی را دارد و از این راه می‌تواند به درآمد‌های سرشار ریالی برسد، اما بنا به مجموعه دلایل ساختاری و نهادی که در گذشته به آن پرداخته‌شده و ازجمله به این دلیل که دولت بزرگ‌ترین مصرف‌کننده در اقتصاد کشور است و ازاین‌رو بزرگ‌ترین آسیب‌بیننده از سیاست‌های تورم‌زا نیز هست، در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۷۵ می‌بینیم که بدهی ریالی دولت به بانک مرکزی هشت برابر و بدهی ریالی شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی ۲۳ برابر افزایش پیدا کرد. در تجربه شوک‌درمانی اخیر، در فصل پایانی ۸۹ تا زمستان ۱۳۹۳ دوباره بدهی دولت به سیستم بانکی چهار برابر افزایش پیدا کرده است. یعنی این یک سراب و یک توهم برای دولت است که فکر کند می‌تواند از طریق دستکاری قیمت‌های کلیدی و پیگیری سیاست‌های تورم‌زا برای خود کسب درآمد کند. دراین‌میان، این شوک‌ها امنیت حقوق مالکیت و ثبات اقتصاد کلان را از بین می‌برد و اقتصاد را از تولید دور و زمینه رانت و ربا و فساد را مساعد می‌کند. این همان چیزی است که گرفتارش بوده‌ایم و در شرایط فعلی نیز به‌دلیل روند نزولی ادامه‌دار قیمت نفت، این خطر همچنان وجود دارد.

نکته دیگر که عنوان «دام تخصیص‌های رانتی منابع ارزی کشور» را به آن داده‌ام، این است که این خطر وجود دارد که دولت تحت تأثیر مطامع رانت‌جویان و در غیاب یک

برنامه سنجیده و به روش علمی مورد ارزیابی قرار گرفته، بخش بزرگی از پول‌های آزادشده را صرف واردات ماشین‌آلات جدید برای رشته فعالیت‌هایی کند که هم‌اکنون در همان رشته‌ها به طرز غیرمتعارفی زیر ظرفیت، تولید می‌کنیم و واردات آنها از منظر اقتصاد سیاسی، فقط می‌تواند یک عده را از آن رشته بیرون کند تا عده‌ای جدید وارد شوند.

نکته آخری که می‌خواهم مورد توجه قرار دهم، دام بی‌اعتنایی به بحران‌هایی است که از طریق دامن‌زدن به فعالیت‌های تشدیدکننده تخریب محیط‌زیست در ایران اتفاق می‌افتد، متأسفانه در

ایران نیز مانند اغلب کشورهای دنیا، فرودستان و محیط‌زیست، صدایی در نظام‌های تصمیم‌گیری و تخصیص منابع ندارند و قربانیان بزرگ در نقطه‌های عطف هستند. باید به اعتبار هزینه‌های بزرگی که این مسئله در آینده برای بقای کشور دارد، یک چاره اصولی در این زمینه اندیشیده شود. اینجا دیگر فقط مسئله توزیع رانت نیست بلکه بقای کشور مطرح است. اگر برای راضی‌کردن گروه‌های پرنفوذ، دوباره امتیازات جدیدی به آن رشته فعالیت‌هایی که آب‌بری شدید دارند، کیفیت محیط‌زیست را تخریب می‌کنند و توانایی و ظرفیت چندان‌نیز برای خلق فرصت شغلی ندارند، داده شود؛ همه ضرر خواهند کرد حتی همان‌هایی که با انگیزه‌های رانتی به‌دنبال چنین امتیازاتی هستند.

در ادبیات توسعه گفته می‌شود وقتی که اقتصاد سیاسی دچار از کارکرد افتادگی می‌شود راه نجات، بازآرایی بنیادی ساختار نهادی است، اما این مسئله با مقاومت‌های جدی روبرو است. در اینجا سوال این است که آیا راه مایبری وجود دارد؟ یا پاسخی که تا امروز در اقتصاد سیاسی توسعه داده شده این است که راه میان‌بر، تقدم طراحی یک برنامه ملی مبارزه با فساد

نسبت به اصلاحات ریشه‌دار و سیستمی نهادی است. در شرایط کنونی ایران، به نظر می‌رسد آن منطقی که در ادبیات توسعه مطرح است بسیار جدی موضوعیت دارد. گفته می‌شود اصلاحات رادیکال نهادی به‌شدت زمان‌بر است درحالی‌که روی مسئله مبارزه ملی با فساد، بهتر می‌توان عزم ملی را برانگیخت. مهم‌ترین محور بازدارندگی و پیشگیری استوار هستند و بنابراین می‌توانند مبارزه با فساد را تمریخش و مؤثر کنند. نکته کلیدی به‌لحاظ تحلیلی در این ماجر این است که رانت و ربا و فساد، بازی اقتصادی را در کادر بازی با جمع صفر تعریف می‌کند. یعنی آن نوع از بازی که برخورداری و بهره‌مندشدن گروهی به معنای محرومیت گروهی دیگر است و گفته می‌شود وقتی با فساد و رانت مبارزه می‌کنید بستر ی فراهم می‌شود تا بازی اقتصادی به سمت بازی مبتنی بر علم و قانون و برنامه و بهره‌وری، یعنی یک بازی برد- برد برود. این بسترسازی برای شرایط کنونی ایران نسبت به هر دوره تاریخی دیگری حیاتی‌تر است.

نکته‌ای که باید مضمینامه و مشفقانه با دولت محترم در میان گذاشت، این است که شرایط کنونی ایران و وجود بحران‌هایی مانند بحران آب و محیط‌زیست که مسئله بقا را در ایران تحت تأثیر قرار می‌دهد، اقتضا می‌کند که پایبندی عملی بیشتری به برخورد برنامه‌محور وجود داشته باشد. باز در این زمینه می‌بینیم هر اتفاقی که رخ می‌دهد از جانب دولت اعلام می‌شود که راهکارهایی اندیشیده شده، ولی در عمل هیچ اتفاقی نمی‌افتد. دولت باید دو مسئله را جدی تلقی کند. یکی برخورد شفاف و صادقانه با مردم و دیگری مبنا قراردادن علم به‌جای منافع جناحی و باندی در تحلیل مآوقع. اگر انتظار برخورد همدلانه از مردم داریم باید آنها را صادقانه از آنچه وجود دارد مطلع کنیم. برای مثال در شرایط فعلی گروه‌های شناخته‌شده‌ای در اقتصاد سیاسی ایران بسیار به تب انتظارات در دوره پساتحریم دامن می‌زنند. بسیار ضروری است که دولت اعلام کند تا پایان امسال هیچ گشایش مشخصی اتفاق نخواهد افتاد و نتیجه همه این آمد و دشا در دوره زمانی مثلا اواخر سال جاری و اوایل سال آتی آشکار خواهد شد.

سخنرانی در مؤسسه دین و اقتصاد مورخ ۱۳۹۴/۵/۸

مناقصه

۱- نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت پالایش گاز فجر جم

۲- موضوع مناقصه: توفی جدول ذیل به صورت فراخوان به ارزیابی کیفی

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تضمین شرکت در مناقصه مبلغ(به ریال)	نوع تضمین	نوع مناقصه از فراخوان مراحل بررسی	حدود تقریبی بر آورد اولیه (به ریال)	حداقل رتبه /گواهی
1	۱۳/۹۴	احداث تصفیه خانه بهداشتی فاضلاب تاسیسات بندر سیراف	۶۵/۰۰۰/۰۰۰	ضمانتنامه بانکی/تقدی	ارزیابی کیفی دومرحله ای	۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	دارا بودن گواهی صلاحیت از سازمانهای مربوطه
2	۱۴/۹۴	تهیه ، طبع ، توزیع غذا و اداره رستورانها	۳/۹۴۰/۰۰۰/۰۰۰	ضمانتنامه بانکی/تقدی	ارزیابی کیفی یک مرحله ای	۱۹۶/۶۵۶/۲۱۱/۸۱۶	گواهی تأیید صلاحیت اداره کار
3	۱۲/۹۴	دیوار چینی اطراف زمین چمن مصنوعی پارک دبیرستان هاجر	۵۷/۰۰۰/۰۰۰	ضمانتنامه بانکی/تقدی	ارزیابی کیفی یک مرحله ای	۱/۸۳۹/۰۵۹/۳۰۰	گواهی صلاحیت پایه ۵ رشته انبیه
4	۱۶/۹۴	حذف آلودگی حاصل از یغبارات خروجی برج تغلیظ ایلین لایکول	۴۶۴/۰۰۰/۰۰۰	ضمانتنامه بانکی/تقدی	ارزیابی کیفی دومرحله ای	۲۲/۸۳۰/۸۵۰/۰۰۰	دارا بودن گواهی صلاحیت از سازمانهای مربوطه

۳_ میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با جدول فوق و بصورت نقدی یا ضمانتنامه بانکی می باشد.

۴_ محل ، زمان و مهلت دریافت اسناد اعلام ارزیابی کیفی: محل دریافت اسناد اعلام اداره مرکزی شرکت پالایش گاز فجر جم با تارنمای مناقصه گزار، زمان دریافت، تکمیل و تحویل فرمهای اعلام ارزیابی حداکثر ۱۴ روز پس از درج آگهی نوبت دوم روزنامه می باشد. مهلت ارائه پیشنهادات و بازگشایی آنها پس از انجام ارزیابی کیفی به آگاهی مناقصه گران رسانیده می شود.

مناقصه گران محترم می بایست جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی این شرکت به نشانی WWW.FAJRJAM.IR

یا به آدرس استان بوشهر – شهرستان جم – شرکت پالایش گاز فجر جم – امور پیمانها (کدپستی ۷۵۵۱۵۴۸۶۴) مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۱۶۸۲۰۳۴-۰۷۷ تماس حاصل نمایند. ضمنا فراخوان مناقصات فوق الذکر در پایگاه اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http://iets.mporg.ir

و پایگاه اطلاع رسانی شرکت ملی نفت ایران به نشانی www.shana.ir نیز قابل مشاهده می باشد.

روابط عمومی شرکت پالایش گاز فجر جم

تاریخ چاپ نوبت اول شنبه ۱۳۹۴/۵/۹ تاریخ چاپ نوبت دوم یکشنبه۱۳۹۴/۵/۹